هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سی و سوم، شنبه ۲۸ جدی ۱۳۸۷– ۲۰ محرم ۱۴۲۹ - 17 January 2009

سرمقاله
طرح دولت برای ایجاد اصلاحات در ولایات
ص۲

نمی دانم چه بنویسم!
"مقدمه یی بر کتاب "شعر ناسرودهٔ من
ص۴

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری
موانع و بهانه ها

واقف حکیمی

از دیر زمانی بحث بر سر به تأخیر انداختن انتخابات ریاست جمهوری است. بر پایهٔ قانون اساسی افغانستان انتخابات ریاست جمهوری باید در اوائل سال آیندهٔ هجری انجام پذیرد.

این امر مبتنی بر بند دوم مادهٔ شصت و یکم قانون اساسی است، و آن چنین است: "وظیفهٔ رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می پذیرد" و زمان برگزاری انتخابات جدید جهت انتخاب رئیس جمهوری تازه در بند بعدی یعنی بند شصت ودوم این ماده چنین توضیح شده است:"انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار می گردد".

لهذا بسیار واضح است که انتخابات ریاست جمهوری باید در اول حمل و در صورت تأخیر در اول ثور سال آینده برگزار شود، از باب احتیاط لازم به نظرمی آید که انتخابات باید در اول حمل برگزار گردد، چون بسیار احتمال دارد که انتخابات در دور نخست به نتیجهٔ نهایی نرسد و به دور دوم برود که در این صورت لاجرم باید وقتی کافی وجود داشته باشد. زیرا بسیار بعید به نظر می رسد که دو انتخابات را با در نظر داشت شرایط افغانستان و امکانات و تجارب انتخاباتی مان بتوانیم دریک مه ...نی تنها ماه ثور انجام بدهیم. ادامه درص۳

خشم وجدان های بیدار
ص۶



د امت د بې وسۍ او واکمنانو د غلامۍ د ترمينځه،

غزه د باروتو په لمبو سوځي!!

د رواني جګړې پر مهال د اسرائیلو له بمبارېو خخه په غزه کې د ملګرو ملتونو دفترونه او د "انوروا" ښوونځي، جوماتونه، روغتونونه، زخمیان بار امبولانسونه او ان تر دې چې د ژورنالیستانو مرکز نیولې ودانۍ هم په امن کې پاتې نه شوې، ۳مخ

کمپاین انتخاباتی
در سطح ملی و بین المللی!



به نظر می رسد که تنش در روابط میان هند و پاکستان فرصت خوبی برای آقای کرزی است تا از خود یک چهرهٔ مورد احترام لااقل در سطح منطقه به نمایش بگذارد.
ص۲

دافغانستان بانک بانکنوت جدید چاپ می کند



بانک نوت هایی که اکنون در بازار مورد استفادهٔ مردم می باشد، اکثراً فرسوده شده است، هیچ کسی نیست که روزانه شاهد بگومگوهایی میان مشتریان و فروشنده ها و یا مسافران و دریوران بر سر این پول های مندرس و فرسوده نباشد.

اکثر مردم دولت و بانک مرکزی را مقصر این وضعیت دانسته می گویند باید دولت پول های جدیدی چاپ کند و این پول های فرسوده را جمع آوری و نابود سازد.

اخیراً بانک مرکزی تصمیم گرفته است به این مشکل رسیدگی نموده و بانکنوت های جدیدی چاپ و وارد بازار کند.

خبرنگار مجاهد در این زمینه مصاحبه یی با آقای مطیع الله فایق مدیر سیاست پولی د افغانستان بانک انجام داده است. وی در مورد ضرورت چاپ پول جدید گفته است، یکی از وظایف عمدهٔ د افغانستان بانک نشر بانکنوت و سکه های افغانی به منظور دوران در کشور می باشد. از آنجایی که مقدار پول مورد ضرورت اقتصاد کشور بایست موازی با رشد اقتصادی افزایش یابد، طی سال های گذشته مقدار پول در جریان از ۲۰ میلیارد افغانی در سال ۱۳۸۱ به بیش از ۷۰ میلیارد حسب آخرین آمار افزایش یافته است.

آقای فایق افزود: دافغانستان بانک به منظور فراهم نمودن سیالیت لازم در اقتصاد کشور طی سال های آینده، قرار است ۵۰ میلیارد افغانی پول جدید به چاپ برساند. ادامه درص۶

کارمندان روزنامهٔ پیمان مورد پیگرد قرار گرفتند

کارمندان روزنامهٔ پیمان در پی انتشار مطلبی در شمارهٔ روز شنبهٔ گذشته این روزنامه مورد پی گرد قرار گرفتند.

در روزنامهٔ پیمان مطلبی زیر عنوان "پیش گویی هایی دربارهٔ جنگ سوم جهانی" منتشر شد که نویسنده در آن از برخی از معتقدات اساسی اسلام و آنچه بالضروره از دین دانسته می شود انکار ورزیده است.

اما روزنامهٔ پیمان به دنبال آن در شماره های روزهای یکشنبه و دوشنبهٔ خود از نشر آن مطلب پوزش خواست و نشر آن را ناشی از سهو و غیر عمدی خواند.

نشر این مطلب موجی از اعتراض را درمیان لایه هایی از مردم مسلمان کشور برانگیخت و شورای علمای افغانستان هم در تقبیح این نوشته و مجازات کارمندان و مسؤولان پیمان فتوایی صادر کرد.

دولت شماری از کارمندان پیمان را مورد باز جویی قرار داد و تا هنوز چنان که گفته می شود این بازجویی ها ادامه دارد و یکی از کارمندان آن در بازداشت به سر می برد.

نشر چنین مطلبی بی تردید همنوایی با موج تهاجم فرهنگی تلقی می گردد و بایسته است که در برابر این موج نباید بی تفاوت ماند.

اما آنچه از پیشینهٔ کارمندان و مسؤولان پیمان دانسته می شود نشر چنین افکاری با اندیشه ها و شخصیت های آنان همخوانی ندارد و پوزش خواهی آنان مبنی بر نشر غیرعمدی آن جدی به نظر می آید. ادامه درص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

طرح دولت برای ایجاد کمیسیون اصلاحات در ولایات

پنج سال پیش که قانون اساسی از سوی دولت اقای کرزی با حمایت کشورهای خارجی نوشته شد و سپس در لویه جرگهٔ قانون اساسی به تصویب رسید، مورد انتقاد بخش مهم جامعهٔ افغانستان قرار گرفت. یکی از انتقادهای مهم بر اصل تمرکز گرایی بود که قانون اساسی برای دولت افغانستان در نظر گرفت.

بر بنیاد این اصل، تمام قدرت دولت افغانستان در ریاست جمهوری متمرکز گردید و جلو هرگونه توزیع قدرت و اشتراک فعال مردم در تصمیم گیری گرفته شد.

اگرچه این انتقادها مورد توجه دولت و جامعهٔ جهانی قرار نگرفت اما به زودی به اثبات رسید که تمرکز گرایی که در اشکال محدود شدن تمام قدرت دولتی در مرکز، عاری ساختن کامل ولایات از قدرت، یکی ساختن ریاست دولت و حکومت بازتاب یافت، می تواند پی امدهای ناپسندی برای دولت افغانستان داشته باشد. فساد اداری که اکنون دولت افغانستان را در جمله یکی از پنج فاسدترین حکومت های دنیا قرار داده یکی از این پیامدها می باشد.

فکر می شود مدیران عالی رتبهٔ دولت و شخص رئیس جمهور این عیب ساختاری دولت افغانستان را تا اندازه یی درک می کنند و با در پیش گرفتن اقدام های سعی دارند، تا اندازه یی از پی آمدهای منفی آن بکاهند و به ارگان های ولایات مانند والی ها، شوراهای ولایتی و حتی ریش سفیدان صلاحیت های بیشتر واگذار نماید.

یکی از این اقدام های دولت، تأسیس کمیسیونی متشکل از اعضای شوراهای ولایتی، ریش سفیدان و سازمان ملل است که سخنگوی ارگان های محلی هفتهٔ گذشته تشکیل آن را اعلان نمود، گفته شده است این کمیسیون صلاحیت دارد تا مسؤولان ولایات را عزل و نصب کند، دادن صلاحیت به والی ها نیز از جملهٔ طرح جدید است.

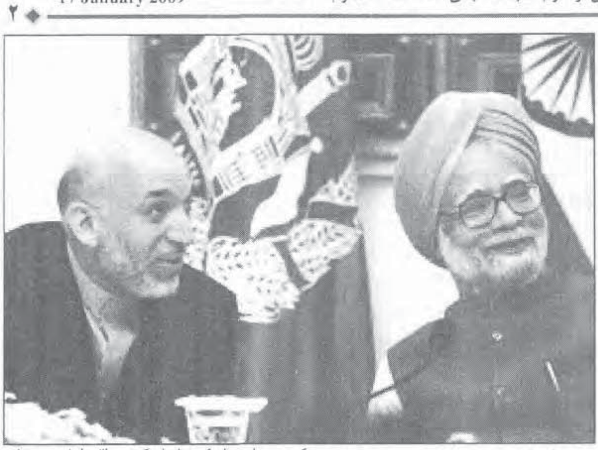
فکر می شود تمرکز گرایی شدید عیب و نقیصهٔ بزرگ ساختاری دولت در افغانستان است. رفع این نقیصه نیازمند اصلاحات بنیادین بوده ترمیم و چاره اندیشی های محتاطانه، مقطعی و گزینشی نمی تواند آن را حل کند. در عوض، چنین راه حل های پی آمدهای منفی به جا گذاشته بر تقویت ساختارهای غیر منتخب و انتصابی می انجامد و راه را برای شکل گیری گروه های مافیایی قدرت بازی نماید. این جریان سرانجام به سود تحکیم بیشتر اقتدار مرکزیت گرا عمل خواهد کرد.

به عنوان مثال در طرح اخیر دولت کسانی به عنوان نمایندگان مردم شامل کمیسیون مورد نظر خواهند شد، اما چه معیارها و شرایطی برای گزینش این افراد در نظر گرفته شده است؟ بدون شک افراد مورد نظر حاکمیت به عنوان نمایندگان مردم شامل چنین کمیسیون هایی خواهند شد. با توجه به نزدیک بودن زمان انتخابات ریاست جمهوری، ممکن است از چنین کمیسیون هایی در مبارزات انتخاباتی سوء استفاده شود.

اگر چنانچه هدف از چنین اقدام های تقویت مشارکت ،ولایات در قدرت باشد، بهترین راه تقویت شوراهای ولایتی خواهد بود که بر اساس رای مردم انتخاب گردیده اند.

کمپاین انتخاباتی در سطح ملی و بین المللی!

ابوبکر سبزوار



بعد از سفر آصف علی زرداری به افغانستان و استقبال پرشور حامد کرزی از وی و وعده های وی به مبارزه علیه تروریسم که به نحوی در اعلامیهٔ مشترک میان دو کشور نیز منعکس شد، حامد کرزی در یک سفر غیر منتظره عازم هندوستان شد. سفری که بدون تردید به مشکل میان هند و پاکستان بی رابطه نبود. هرچند شایعاتی هم در کابل شنیده شد که گویا کرزی حامل پیامی از جانب زرداری به دولت هند است.

بعد از واقعهٔ بمبای که تنش موجود در روابط میان هند و پاکستان را موجب گردید، هردو کشور به تقویت نیروهای مسلح خویش در دو سوی سرحد پرداختند. سومین کشوری که از این تنش زیان می بیند افغانستان است زیرا پاکستان اعلام نمود که نیروهای خود را از سرحد [illegible] افغانستان برای مقابله با حملهٔ [illegible] هندوستان به سرحدات با هند [illegible] خواهد ساخت. این تصمیم پاکستان حاوی پیام روشنی هم به دولت افغانستان و هم نیروهای خارجی مستقر در افغانستان است که بعد از این پاکستان نمی تواند عبور و مرور طالبان از مسیرهای خط دیورند را بصورت مؤثر کنترول نماید و این به معنی گسترش دامنهٔ ناامنی ها در افغانستان است.

مشکل است که پیشبینی کنیم این سفر حامد کرزی تا چه حد در کاهش تنش میان دو کشور هند و پاکستان مؤثر خواهد بود اما به هرحال حکومت افغانستان رابطهٔ خوب و دوستانه با هندوستان دارد و این مسأله می تواند به عنوان یک عامل مثبت در این میانجیگری مورد توجه قرار گیرد.

اما حامد کرزی از این سفر خویش اهداف دیگری هم دارد. او می خواهد چهرهٔ خود را هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه اصلاح نماید.

آقای کرزی هفت سال قبل با حمایت امریکا در افغانستان به قدرت رسید و با توجه به همین مسأله، بسیاری وی را یک شخصیت وابسته می شناسند. در هفت سال گذشته حکومت آقای کرزی به کمک نیروهای خارجی بر مسند قدرت بوده است. آقای کرزی سخت در تلاش است تا این وجهه اش در سطح ملی و بین المللی در ذهنیت ها تغییر کند.

تلاش های کرزی در این جهت از چند ماه قبل با انتقاد های تند وی از عمنکردهای نیروهای خارجی در برابر غیرنظامیان آغاز گردید. در حالی که روند کشتار غیرنظامیان از همان روزهای اول حملهٔ امریکایی ها به افغانستان از سال ۲۰۰۱ با حمله به یک محفل عروسی در ارزگان آغاز شد و بار بار تکرار گردید.

شاید کرزی این پیشبینی را دارد که در صورتی که بار دیگر به قدرت نرسد لااقل باید نام بهتری از خود در تاریخ به یادگار بگذارد و این گونه موضع گیری ها را می توان به حساب این پیشبینی گذاشت از جمله این که وی از تشکیل یک جرگه برای تصمیم گیری در مورد آیندهٔ نیروهای خارجی سخن گفت و حتی خواستار تعیین زمان برای پایان مبارزه علیه تروریسم شد.

هرچند هیچکس این سخنان آقای کرزی را جدی نگرفت و این سخنان

بازی در نقش میانجی در یک تنش منطقوی اقدام مؤثری برای اصلاح وجهه از جانب شخصی است که تا کنون بیشتر به عنوان یک چهرهء وابسته به غرب مطرح بوده است. نشان دادن یک چهرهٔ مستقل از خویش در انظار مردم افغانستان در انتخابات آتی در کشور می تواند نوعی کمپاین تبلیغاتی هم به شمار آید

****

به نظر نمی رسد که کمپاین انتخاباتی رئیس جمهور کرزی نه در سطح ملی و نه هم در سطح منطقه در جلب توجه و رأی مردم افغانستان مؤثر باشد.

فقط تهدیداتی به شمار آمد که هرگز عملی نخواهد شد اما بسیاری به این باور اند که این سخنان برای نشان دادن یک شخصیت متفاوت از رئیس جمهور کرزی لازم بود. این سخنان می تواند در جلب توجه مردم به آقای کرزی در انتخابات مؤثر باشد.

به نظر می رسد که تنش در روابط میان هند و پاکستان فرصت خوبی برای آقای کرزی است تا از خود یک چهرهٔ مورد احترام لااقل در سطح منطقه به نمایش بگذارد. بازی در نقش میانجی در یک تنش منطقوی اقدام مؤثری برای اصلاح وجهه از جانب شخصی است که تا کنون بیشتر به عنوان یک چهرهء وابسته به غرب مطرح بوده است. نشان دادن یک چهرهٔ مستقل از خویش در انظار مردم افغانستان در انتخابات آتی در کشور می تواند نوعی کمپاین تبلیغاتی هم به شمار آید که البته استفاده از امکانات دولتی برای کمپاین به نفع خویش در این عرصه ها هیچگونه مانع قانونی هم ندارد اما دیر عمل کردن در چنین عرصه هاست که صداقت جناب کرزی را در اینکه از اینگونه اقدامات هدفی جز رضای خدا و خلق ندارد، زیر سؤال می برد.

آقای کرزی متأسفانه در شرایطی دست به این گونه اقدامات می زند که به پایان قانونی دوران ریاست جمهوری اش مدت زیادی باقی نمانده است. یکی از این گونه اقدامات که به تازگی اعلام شده تعیین یک کمیسیون به منظور بررسی کار ارگان های محلی در ولایات است. طبق اظهارات مقامات نزدیک به آقای کرزی، این کمیسیون وظیفه دارد تا به ولایات مختلف سفر کرده و از ریش سفیدان قوم، علما، متنفذین و نهاد های جامعهٔ مدنی در مورد کارکرد مسؤولین ولایات و ولسوالی ها جویای معلومات گردد.

به گفتهٔ یکی از حاضری امضا کنندگان در قصر ریاست جمهوری هدف از این اقدام این است تا از ایجاد فاصله میان مردم و دولت جلوگیری صورت گیرد. این سخن به این معنی است که میان دولت و مردم هیچ فاصله یی تا کنون به میان نیامده و اگر وجود هم داشته باشد خیلی کم است و باید این فاصله را هم از میان برد!

در طول هفت سالی که گذشت مردم در بعضی از ولایات چنان از دست مسؤولان دولتی در فشار بودند که حتی یکی از عوامل مهم نا امنی ها و توانمند شدن مخالفین در سرباز گیری از مردم همین سوء رفتار مسؤولان دولتی در ولایات بوده است اما این که آقای کرزی در این اواخر دوران ریاست جمهوری به این فکر افتاده اند بی شباهت به سخن یکی از وزیره صاحبه های سابق کابینهٔ ایشان نیست. وقتی از وزیره صاحبه پرسیده شد که چرا وزارت شما در فلان بخش شما هیچ کاری انجام نداده است ایشان با قیافهٔ حق به جانب فرمودند: اگر تمام کار ها را امسال انجام دهم پس سال آینده چه کار کنم؟!

حرف بسیار منطقی است و اگر آقای کرزی هم تمام کارها را در همان دوران هفت سال زمامداری خود انجام می داد در دورهٔ بعدی مجبور بود بی کار بماند. اما خوشبختانه آقای کرزی کار مهمی در دوران زمامداری خود انجام ندادند و بار بزرگی از کار و مشکلات را به دوش رئیس جمهور بعد از خویش باقی می گذارند درست مانند آقای جورج بوش که در شرایطی کاخ سفید را ترک می کنند که میراثی از بحران به رئیس جمهور بعدی به ارمغان می نهند.

به نظر نمی رسد که کمپاین انتخاباتی رئیس جمهور کرزی نه در سطح ملی و نه هم در سطح منطقه در جلب توجه و رأی مردم افغانستان مؤثر باشد.



د امت د بې وسی. او واکمنانو د غلامی. د ترمینځه،

غزه د باروتو په لمبو سوځي!!

شفیق

دا د لویدیځې نړۍ "یو بام او دوه هوا" بشري حقوق او د دموکراسۍ نغمه ده چې په دارفور کې جنګیالی عیسایي لړکي چې د منتخب حکومت پرخلاف راپاخولی شوي دي. مظلومانه مري! او د "اسماعیل هنیه" د منتخب حکومت پرخلاف د اسرائیلو او محمود عباس ظالمانه یرغلونه او توطیې دموکراسۍ دي، او پرخلاف یې عمر البشیر جنایتکار دی چې خپل ولس ورته رایه وکړې

د انبیاؤ په ټاټوبي (فلسطین) کې د "غزې" په ترانګه، د نړیوال صهیونیزم په مټ د جنایتکارو اسرائیلو د هوایي بمباریو او یرغل دریمه او د ځمکنې یرغل دوهمه اونۍ پوره کېدونکې ده، خو د "حماس اسلامي غورځنګ" تر واک لاندې "غزې" غیرتي او مسلمان ولس یې لاتراوسه په بشپړ صبر مقاومت کوي او د دې لیکنې تر دمه د دغه غیرتي مؤمنانو د تلفاتو شمېره د زروتنو په شاوخوا کې شهیدان او څه د پاسه څلورنیم زره زخمیان دي. او دا هم ټولو نړیوالو ومنله چې د شهیدانو او ټپیانو زیاته شمېره عام ملکي وګړي او په ځانګړې توګه معصوم ماشومان، بې وزله ښځې او بوډاګان دي، خو لا تر اوسه د لویدیځې نړۍ او په ځانګړې توګه د امریکا . چې تل د دموکراسۍ نغمې غږوي او د بشر د حقونو چیغې وهي . لاس د اسرائیلو ګریوان ته ونه رسیده او بلکې د پردې تر شا یې په شاټپوي او خوښي پرې څرګندوي؛ ځکه د داسې بېرحمانه یرغل او نا برابره جګړې سره سره ملګرو ملتونو د امنیت په شورا کې د (۱۹۶۰) لمبر پریکړه لیک پر مهال د امریکا د بهرنیو چارو وزیرې لخوا د څوارلسو موافقو رایو په وړاندې د امتناع رایه ورکول او بیا داسې پریکړه لیک تصویبول چې نه په کې د اوربند لپاره نېټه ټاکلې شوې وې او نه د هغو یوولسو زرو فلسطیني بندیانو ذکر په کې شوی وي چې د اسرائیلو سره بندیان دي او ډیری یې بې ګناه فلسطینیان: کوچنیان، ښځې او عام ملکي وګړي او یا د پارلمان غړي دي، د دې غمازي کوي چې د فلسطین د مسلمان او بې دفاع ولس سره د اسرائیلو د تاریخي جګړې ترشا ټوله لویدیځه نړۍ (انګلستان، فرانسه، امریکا او هر ښکېلاکګر اروپایي هېواد او امریکا هر یو په خپل وار سره په دې قضیه کې د اسرائیلو متولیتوب او پلویتوب کړی چې دا مهال دغه دنده له (۱۹۴۲) میلادي کال راهیسې د "جنرال ټریدمن" په نوبت امریکا په غاړه لري.

د روانې جګړې پر مهال د اسرائیلو له بمباریو څخه په غزه کې د ملګرو ملتونو دفترونه او د "نوروا" ښوونځي، جومتونه، روغتونونه، زخمیان بار امبولانسونه او ان تر دې چې د ژورنالیستانو مرکز نیولې ودانۍ هم په امن کې پاتې نه شوې، بیا هم لویدیځه نړۍ هیڅ دریغ نه نیسي چې اسرائیل له خپلې تاریخي نښې او پلرنۍ جنایتونو څخه . چې له یهودو پرته د هر بشر وژنه، د بې دینو رنګول، د شنو ځایونو سوځول او په ځمکه کې د فساد خپرول، له درواغو او فریب څخه کار اخیستل او تل ژمنې ماتول دي . راوګرځوي. او د انسانیت په جاده یې روان کړي. نو له دې معلومېږي چې ټوله لویدیځه نړۍ، د بشر د حقونو او دموکراسۍ خبرې یوازې په مسلمانانو پورې د خندا لپاره کوي: ځکه په روانه جګړه کې د ځمکې پر مخ د غزې په څېر په یوه ډېر میشتې سیمې (غزه) باندې د ایف شپاړس الوتکو بمبارۍ او په ځانګړې توګه د (جي . بي . یو-۳۹) هغه توغندي ورول چې (۱۱۳) کیلوېې بمونه دي او په کې (۲۳.۷) کیلوګرامه چوديدونکي مواد چې د نهه سوو کیلوګرامه په برابرۍ د خرابۍ نفوذي قابلیت لري او هم د ځیرونکو د څېرنې له مخې د سپینو فاسفورسي کیمیاوي موادو لرونکو بمونو استعمال، چې د نړیوالو قوانینو له مخې منع ګرځولي شوي. دغه ډول بېرحمانه یرغل او هغه هم پر بې وزله او بې دفاع ولس چې د "ار پي جي" له راکټ او هاوان توپونو پرته نوره بله کومه درنه دفاعي او تعرضي وسله هم نلري. د بشریت پرضد د جګړې سره برابر دی. خو مکاره امریکا بیا هم دې ته ضمنه ولې ولاړه جګړې له پیل څخه یې وریسې روانو کوډاګیو هېوادونو ته په دې سره د همغږۍ تعلیمات ورکړل چې اسرائیل له ځان څخه د دفاع لپاره په غزه او حماس د یرغل حق لري او له همدې لامله خو ان د سوډان او لیبیا پرته عربي هېوادونو او د اسلامي نړۍ په واکمنو کې د ترکیې او ایران له دولتونو پرته هر یو داسې دریځ نیولی چې په حقیقت کې د اسرائیلو له ګټو څخه دفاع کوونکي. او په روانه جګړه کې د اسرائیلو په پلویتوب دلالت کوي. د صحیح ده چې د ګردو اسلامي او عربي هېوادونو ولسونو د اسرائیلو سره کرکه او نفرت وښوده او په ډېرو اسلامي. او ان تر دې چې په لویدیځو هېوادونو کې د حماس د غورځنګ او د غزې د ولس په حق کې میلیوني مظاهرې وشوې خو د مصر واکمنو ته له تر دې مهاله د جرات ورنکړ چې د ریخ د رفح په سرحد د ر غونډې کړې شوو ضبي مرستو او د پنځوسو ډاکټرانو ټولګي ته غزې ته د تګ اجازه ورکړي. په داسې حال کې چې د مصري چارو کوډ دې بهانې په خوب کې، چې دغه لاړ د دمنه نه د ډاکټرانو د خپلو ځانونو مسوولیت د هغې ضبې ولې د مشر ډاکټر عبدالمنعم د څرګندونو له مخې. پرخپلو غاړو هم اخیستی. خو حقیقت دا دی چې "غزه" لا تر اوسه د امت د بې وسۍ او د واکمنانو د غلامۍ ترمینځه په لمبو کې سوځي په اسرائیلو کې یو ولس زره فلسطیني بندیان د هغه یو نظامي اسرائیلي بندي سره برابر نشوه چې حماس په جګړه کې نیولی او همدا اوس په وینو کې د لت پت معصومو ماشومانو، ښځو او بوډاګانو وینې مظلومې نه ګڼل کېږي. په دې باید هر څوک پوه شي چې په دارفور کې د پنځو زرو جنګیالي عیسایي لړکیو وینې چې د سوډان له قانوني حکومت سره جګړه کې مړه شوي، لویدیځ ته محترمې دي چې لامله یې د عمر البشیر پرخلاف د جنګي جنایتکار په توګه د محکمې لپاره لویدیځ پرخه غوغا شروع کړې. خو د په کور ناستې فلسطیني مور څلور نیمو زرو څخه زیاتو په ټپي کولو هم مړ یل جنایتکار نه ګڼل کېږي.

دا د لویدیځې نړۍ "یو بام او دوه هوا" بشري حقوق او د دموکراسۍ نغمه ده چې په دارفور کې جنګیالي عیسایي لړکي چې د منتخب حکومت پرخلاف راپاخولي شوي دي . مظلومانه مري! او د "اسماعیل هنیه" د منتخب حکومت پرخلاف د اسرائیلو او محمود عباس ظالمانه یرغلونه او توطیې دموکراسۍ دي. او پرخلاف یې عمر البشیر جنایتکار دی چې خپل ولس ورته رایه وکړې. یا "اسماعیل هنیه" او د "حماس" حکومت، ناروا او ترهګر دی چې د خپل هېواد د اسلامي او ملي ارزښتونو په بیه د لویدیځ جغ په اوږه نه وړي!

برگزاری انتخابات ریاست جمهوری
موانع و بهانه ها

اوضاع امنیتی هرگز نمی تواند گذشته از مخالفت با قانون اساسی دلیلی موجه برای به تأخیر انداختن انتخابات شود؛ چون نمی توان متیقن بودکه اگر اوضاع امنیتی در آغاز سال آینده برای برگزاری انتخابات مساعدنیست در ماه میزان آن مساعد خواهد شد

بقیه از صفحۀ اول

اکنون این سؤال مطرح می شود که آیا راستی ما می توانیم با آغازسال جدید در ماه حمل دقیقاً انتخابات را برگزار کنیم؟

درپاسخ به این پرسش دیدگاه های متفاوت وجود دارد. دولت ظاهراً به گونه هایی مختلف طرفدار به تأخیر انداختن انتخابات به ماه میزان سال آینده است، و مخالفان سیاسی حکومت و اکثریت نمایندگان در مجلس نمایندگان تأکید بر برگزاری انتخابات بر اساس قانون اساسی در وقت معین دارند.

دولت جهت به تأخیرانداختن انتخابات دلایلی از قبیل وضعیت نا مناسب جوی، و دشواری های لوژستیکی و وضعیت امنیتی نا مساعد در برخی از نقاط کشور و نداشتن امکانات لازم برای انتخابات را مطرح کرده است.

بااعلام موجودیت بودجۀ برگزاری انتخابات از سوی دفتر یوناما دیگر دولت نمی تواند فقدان بودجه را جهت موجه نشان دادن تأخیر انتخابات مطرح کند، اما وضعیت بد امنیتی در برخی از نقاط و نامساعد بودن اوضاع جوی لااقل در برخی دیگر از مناطق کشور تاهنوز جهت به تأخیر انداختن انتخابات از سوی دولت به قوت مطرح می گردد.

اما مخالفان سیاسی دولت اصرار دارند که انتخابات برپایۀ قانون اساسی در اوائل سال آینده در وقت معین آن برگزار گردد و برای به تأخیر انداختن آن دلائل حکومت را قانونی نمی دانند.

بنده های یاد شدۀ مادۀ شصت و یکم قانون اساسی که مربوط به برگزاری انتخابات است، به حدی واضح است که تأویل و تفسیر بر نمی تابد و آن مهم ترین مستمسک مخالفان دولت است.

اوضاع امنیتی هرگز نمی تواند گذشته از مخالفت با قانون اساسی دلیلی موجه برای به تأخیر انداختن انتخابات شود؛ چون نمی توان متیقن بودکه اگر اوضاع امنیتی در آغاز سال آینده برای برگزاری انتخابات مساعدنیست در ماه میزان آن مساعد خواهد شد، خاصه این که تجربۀ پنج سال اخیر نشان داده است که وضعیت امنیتی پیوسته به طرف بد شدن سیر کرده است و نیز بر پایۀ اظهارات مسؤولان کمیسیون انتخابات سه مرحلۀ ثبت نام انتخابات با موفقیت به انجام رسیده است، پس براین اساس وقتی ثبت نام درهمۀ حوزه های کشور با موفقیت انجام شده است چه دلیلی وجود دارد که انتخابات هم با موفقیت انجام نیابد؟ خاصه گفته شده است در برخی از ولایات جنوب جایی که در این باب بیشترمورد توجه قرار دارد، تعداد ثبت نام شدگان از زنان بیشتر از تعداد آنان در برخیر از ولایات دیگر است، به گونۀ مثال چنان که گفته می شود شمار زنانی که در ولایت پکتیا ثبت نام شده اند بیشتر از شمار زنان در ولایت هرات هستند.

بی تردید اوضاع جوی افغانستان در اوائل سال می تواند یکی از چالش های مهم بر سر راه برگزاری انتخابات تلقی گردد، اما این امر نمی تواند به هیچ نحوی قانون اساسی را به تعطیل و تغییر بکشاند، جای این مداقه وعارضه بینی زمان تدوین و تدقیق قانون اساسی بود که کمیسیون هایی درمدت بیش از یک سال با هزینه کردن چندین میلیون دلار دربارۀ آن کارکردند.

راستی زمان برگزاری انتخابات یکی از موارد قابل تعدیل در قانون اساسی است البته درکنار بسا از مواردی دیگر، اما تا این کار از راه مکانیزم های مشخص انجام نیافته است هیچ کسی صلاحیت تغییر وتبدیل در آن را ندارد.

لهذا باید انتخابات جهت حفظ مشروعیت نظام در زمان معین آن برگزار شود، والا نظام کنونی مشروعیتش را از دست خواهد داد. به گونه یی که هیچ گزینه یی دیگر نمی تواند از آن منع شود نه حکومت موقت جدید و نه استمرار حکومت کنونی.

نمی دانم چه بنویسم!

مقدمه یی بر کتاب "شعر ناسرودهٔ من"

پرتونادری

چیزی باید بنویسم؛ اما نمی دانم چه بنویسم! خوب یک چیزی باید بنویسم که بتواند جای خالی مقدمه در کتاب را پر کند!

دوستی داشتم، خدا را شکر تا هنوز دارمش، باری به من می گفت که کتاب بی مقدمه به خانهٔ بی سقف می ماند وقتی این سخن دوست را شنیدم، دلم برای خودم سوخت.چون تا آن روزگار همهٔ کتاب هایم بی مقدمه به نشر رسیده بودند. با خود گفتم خداوند می داند که چقدر بر این خانهٔ بی سقف من خندیده اند.

میرزادهٔ عشقی که در روزگار جوانی شعر هایش را می خواندم و از شور و هیجان لبریز می شدم، یادم آمد. یادم آمد که او نه بر خانهٔ بی سقف که حتی بر این گنبد دوار بی سقف نیز خندیده است:

«من براین گنبد بی سقف و ستون می خندم»

با این همه تا هنوز نمی دانم که چرا بر کتاب های شعر مقدمه می نویسند. شاید از آن جهت که خانهٔ شان بی سقف نماند و دیگران بر آن نخندند.

به هر حال هیچ گاهی مقدمه در کتاب های های شعربرای من اهمیتی نداشته است. چنین است که من هیچ گاهی کتاب های شعر را از مقدمه شروع نکرده ام. شاید مقدمه آخرین بخش کتاب است که می خوانم. گویی مقدمه ها همیشه برای من مؤخره بوده اند.

فکر می کنم که برای بندگان گنهکار خدا برتر از شعر دیگر سخنی وجود ندارد. شعر بی نیاز از مقدمه آغاز می شود. اگر شعر با مقدمه آغاز شود دیگر شعر نیست. شعرآغاز می شود مانند یک حادثه و ختم می شود بی آن که بدانیم در کجا. شاید رازناکی شعر نسبت به انواع دیگر سخن در همین امر نهفته است.

به هر حال وقتی کتاب «تصویر بزرگ، آیینهٔ کوچک» را نشر می کردم همینگونه بی مقدمه مانده بود، سخن دوستم یادم آمد و رفتم پاره یی از یکی از گفتگوهایم در پیوند به شعر معاصر فارسی دری را برداشتم و گذاشتم به جای مقدمه. روز دیگر که نویسنده یی در معرفی آن کتاب چند جملهٔ کوتاه نوشته بود، به شگفتی اندر شده بود که چرا من چنان کار غیر متعارفی کرده ام!

حالا می خواهم بگویم جانم! در روزگاری که هر الکنی بر لحن داودی خورده می گیرد و ادعای دم مسیحایی دارد و شاه شجاعی می انگارد که سلطان بزرگ غزنه است و قاوست های روزگار وجدان شان را برای شیطان می فروشند تا غرایز بهیمی خود را ارضا کنند: این دیگر چه گناهی است که من گفتگویی را جای مقدمه بی گذاشته ام.

به گفتهٔ شاعر، روزگار عجیبی است نازنین! حالا دیگر دهانت را نمی بویند که گفته باشی دوستت دارم: بل دهانت را می بویند که انگلیسی تو بوی امریکایی دارد یا بوی بریتانیایی و یا این که خداوند دهانت را سزاوار این بوی لطیف و مقدس ندانسته است.

روزگار، روزگار بازار آزاد است. یعنی هرچه از کوه و دشت و دره و دریا، زیر زمینی و سرزمینی که داری بفروش و بفروش. وقتی بابای بزرگوارت در یک چشم به هم زدن چند صد میلیون دالر را تا آن سوی آب های شورمی فرستد و شیر مادر می سازد. تو دیگرچرا چنین نمی کنی!

به خطر داشته باش که این بازار ترازو داری دارد به نام دموکراسی و فرهنگی دارد به نام حراج. با ترازو دار آن، همراز شو و با فرهنگ آن هم آهنگ ورنه در زیر سم خنگ روز گار له خواهی شد.

آیا شعر هم در این آشفته بازار کالایی است که ارزش مصرف داشته باشد؟ شاعر می تواند در زیر چتر فرهنگ آن بیاساید؟

به گمانم دیگر ورق برگشته است. فرهنگ را به زنجیر کشیده اند که چرا چنین گستاخانه از مرز گذشته و بی اجازه خود را به حریم خانهٔ ما رسانده است. ترازودار دموکراسی حتی نمی خواهد متاع شعر را در ترازوی خود اندازد و آن را ارزشیابی کند. چون می داند که به گفتهٔ شاعر شهید سرشار روشنی:

«شعر را مقدار جنس کاه نتوان یافتن»

گذشت آن روزگاری که فردوسی از شعر چنان کاخ بلندی می ساخت که تنها بخردان و رادان را در آن راهی بود.

دوستی دارم درست مانند خودم. روزی به دیدنم آمده بود. مانند سایهٔ خودم در کنارم نشست. گفتم چیزهای تازه! با بی حوصله گی گفت کدام چیز های تازه! تو بسیار خوشبخت تر از منی که دست کم چیزی را در لای روزهای کهنه می پیچی. من هر قدر که آماس کرده بود. سرم را در میان دستانم گرفتم و فشار دادم تا هرچه مشغله و مفعلهٔ شعر در آن است از دماغم فرو ریزد! تا گول زنده گی را دریابم که نشد. مانند آن است که شعر در خون من جاریست. یا بهتر است بگویم که به جای خون در رگهای من جاریست.

دوست لحظه یی خاموش ماند و آن گاه از من پرسید تو در چه حالی؟

- گفتم ، تعریفی ندارد این جا نیز چتر شکوهمندا بازار آزاد بلند است. چاره چیست بازار آزاد حتی شعر آزاد را هم در بند کرده است، چه برسد به شعر کلاسیک که پایش از همان لحظهٔ تولد در بند زنجیر وزن و قافیه است. مثل آن است بازارآزاد شعر را و فرهنگ را از ارزش آزاد ساخته است.

- گفت در امریکا که هنوز شعر می سرایند و شاعران با فروش کتاب های شان زنده گی می کنند. حتما شعر آنها « اوت کم » و « امپکت» داردا و می توانند در زیر چتر گول دموکراسی و بازار آزاد به هستی خود ادامه دهد.

- گفتم به یاد داشته باش، این دیگر دموکراسی و بازارآزاد افغانی است. ما تاریخ پنج هزار ساله یی داریم در حتی که امریکا کشور بی تاریخ است. تندر را که می شنوی صدای سم اسپان نیکان

اما این آب ها رفتند و رفتند و تمام قصه های خانهٔ ما را به همسایه گان گفتند. قصه های ما را، افسانه های ما را، پاره های از تاریخ و فرهنگ ما را نیز با خود بردند و آن ها را در کشتزارها و باغ های همسایه گان سبز کردند.

- دوست گفت شاید چنین نیست. وقتی ما در سخاوت خود حاتم طایی روزگار هستیم از آن رو نه تنها پاره هایی از سرزمین؛ بلکه پاره هایی از تاریخ، فرهنگ و زبان خود را نیز طایی وار به همسایه گان بخشیدیم.

هزاران هزار واژه را موج پشت موج به سرزمین تبعید راندیم. ما باید همه چیز را افغانی بسازیم. اگر دیگران برای خود در زمین هویتی ساخته اند ما باید آسمان ها را، ستاره گان را، کهکشان و دین و آیین را و ... افغانی بسازیم. آخرصدای سم اسپان نیاکان ما سده هاست که آسمان را فتح کرده و برق جهیده از سم اسپان آنها آسمان و کهکشان را روشن نموده است. هر ستاره را که می بینی نقش سم اسب یکی از نیکان ماست. مهتابی را که می بینی چیز دیگری نیست، همان دیگ بزرگ شیر است که سواران ما در سفر تسخیر کهکشان شیری از آن نوشیدند و بقیه را گذاشتند به برگشت؛ شیران دیگ سده های دیریست که در انتظار برگشت

وقتی شاعری نمی تواند در چارچوب یک«اکشن پلان» تعیین شده شعر بگوید، پس شعر با نا آگاهی سروکار دارد. شعر از نا آگاهی و شعور نا آگاه بر می خیزد. پس شعر یک فعالیت بی «اوبجکتیف» است و نمی شود براساس آن زنده گی را اداره کرد. شعر پروپوزلی است که «بجیت لاین» ندارد.

درخود می پیچم سخنی بر زبانم نمی پیچد.

گفتم عجب در روزگاری که دموکراسی می تواند بر هرچیز و حتی بر اندام طالبان نیز بپیچد و ملمعی باشد بر هر سیه کاری، پس زبان تو چرا از پیچش مانده است.

گفت: امروز به پرسشی بی پاسخی برخوردم.

گفتم: چی پرسشی؟

گفت: امروز در دفتر از من پرسیدند که شعر و دانش تو با «گول» و « اوبجکتیف» یک نهاد مدنی چه هم آهنگی دارد؟ این پرسش چنان ضربه یی بر سرم فرود آمده بود؛ اما هنوز به حال نیامده بودم که شنیدم شعر و شاعری چه «اوت پت» دارد؟ «اوت کم» آن چیست؟ در دراز مدت چه تغییراتی را در جامعه پدید می آورد؟ «امپکت» شعر چیست؟

این جا هر «اکتیفیتی» باید «اوبجکتیف» را تقویت کند و از این طریق خود را به «گول» برساند!

وقتی شاعری نمی تواند در چارچوب یک«اکشن پلان» تعیین شده شعر بگوید، پس شعر با نا آگاهی سروکار دارد. شعر از نا آگاهی و شعور نا آگاه بر می خیزد. پس شعر یک فعالیت بی «اوبجکتیف» است و نمی شود براساس آن زنده گی را اداره کرد. شعر پروپوزلی است که « بجیت لاین» ندارد.

مانند بود که در هجوم این پرسش ها و پرسش های بروژه یی سرم ماست که می تازند تا سمند تاریخ را از دم نگام زنند. این رعد را هم که می بینی آتش جهیده یی ازسم اسپان اقلیم گشایان ماست!

- گفت کاش برق جهیده از سم اسپان نیاکان ما در آسمان ها به هدر نمی رفت و در زمین می ماند تا خانه های ما چراغان می شدا و آن گاه نیازی به وزارت برق یا بهتر است بگویم نیازی به وزارت شیطان چراغ نمی بود.

- گفتم ما درتاریخ نام و نشانی داریم. ما مردمان مهمان نوازی هستیم! مهمانان خود را دست بسته به دشمن تسلیم نمی دهیم! برچشم حریفان سیاسی خود وقتی که آنها اسیر ما می شوند میل نمی کشیم! مردمان سخاوتمندیم که حتی حاتم طایی نیز از بزرگی سخاوت ما در زیرتوده های خاک می لرزد! ما وقتی برای بقای امارت در خانوادهٔ خود پاره پاره پیکرهٔ سرزمین را با تیغ زبونی می بریم و آن گاه آن را با دست ادب به دشمن پیشکش می کنیم، دیگرچه فرق می کند اگر برق سم اسپان نیاکان ما درآسمان می درخشد. برای آن که اگر این برق را به آسمان نمی فرستادیم خانهٔ فرشته گان تاریک می ماند. نگاه کن که میان نیاکان ما و نیاکان امریکایی ها چقدر فاصله است. آنها زمین را روشن کردند و ما آسمان ها را. در زمین نیز هرچه آب در روی زمین داشتیم به قسمت بی آبی خود به کشتزار های همسایه گان جاری کردیم.

آن «سواران نجیب جاودان در راه» می جوشد. نگاه کن ما چقدر بر مردم جهان حق داریم. اگر نیاکان ما نمی بودند و چنین نمی تاختند، حالا آسمان بی ستاره و بی مهتاب بود و خانه های فرشته گان تاریک.

- گفتم ای دوست این امر یکی از ویژه گی های دموکراسی و بازار آزاد افغانیست. ما باید هر حقیقتی را یا افغانی بسازیم و یا هم نپذیریم.

روزگار، روزگار مبارزه بر ضد حملات انتحاریست. جهان به جبههٔ گستردهٔ مبارزه بر ضد تروریزم پیوسته است، حالا وقتی در زبانی واژگان انتحاری وجود داشته باشد، چرا آن ها را تبعید نکنیم و یا نابود نسازیم. وقتی شهروندی تروریستی را در خانه اش جای می دهد، او نیز سزاوار جزای سنگین است. به همین گونه وقتی کسی که واژه های انتحاری را بر زبان می راند و یا هم می نویسد، درآن صورت وزیری که همهٔ جامعه و حتی شورای ملی کشور را کشتزار نخود می بیند، حق دارد تا در این کشتزار رها گردد و هرچه که دلش می خواهد بکند. به زبان دیگر وزیر سزان پشت پرده حق دارند تا او را در کشتزار نخود جمعه رها سازند. بیچاره نخودها!

می گویند که این روز ها همسایه گان به سرزمین ما انتحاری می فرستند، چه کاربدی. از قدیم گفته اند که خربوزه از خربوزه رنگ می گیرد .پس ما چرا چنین نکنیم و انبوهی از واژگان انتحاری را که وحشت می آفریند می کنیم به خانهٔ همسایه گان بترسیم تا

بنیاد شان را از ریشه بر کنند. ما با سپاه واژگان انتحاری خود باید بتوانیم در جنوب به دریای سند و در غرب به بندر عباس برسیم. ما به راه دریایی نیاز داریم. باید چنین کنیم و چه پرشکوه لحظه یی خواهد بود که وزیر نخود بین! ما چنان تندر نیاکان، با صدای لبریز از توفان غیرت افغانی، به همسایه گان نهیب بزند که ای کشتزاران نخودا مگر نگفته بودم :

گر ندانی غیرت افغانیم
چون به میدان آمدی می دانیم

حالا این من و این شما. تا یک نخود است آرام نخواهم نشست!

دوست گفت نگران کشتزارهای نخود نباش، شاید نگهبانی داشته باشند. این را بگو که تازه گی ها در لای روزهای کهنه چه چیزی را پیچیده ای.
گفتم چیزجالبی نیست.

چندی پیش از خیابانی می گذشتم. مردی دیدم روزگار دیده. چوکی بزرگی را از آن نوعی که«پیشوایان دموکراسی خونین» در سرزمین ما بر آن لم می دهند و احکام دیکتاتورانه می نویسند، به دنبال خود می کشید. توجه کردم مرد روزگار دیده همانگونه که آرام و متفکرانه چوکی را به دنبال می کشید، با صدای معنی داری فریاد می زد:

های مردم !

بخرید ،

لیلام است!

نمی دانم چرا یکی و یک بار ذهنم دوید تا داستان دیوژنس در مثنوی معنوی که در روز روشن چراغی بر افروخته و در خیابان های شهر گشت می زد و انسان جستجو می کرد. او از دیو و دد ملول شده بود .گفتندش این زحمت بر خود هموار مکن که ماییز جسته ایم و نیافته ایم! شیخ گفته بود، من در جستجوی همانم که یافت نمی شود. اگر یافت می شد چراغی بر نمی افروختم.

گویی مرد روزگار دیده نیز این چوکی را در خیابان های شهر به دنبال می کشید و مالک آن را جستجو می کرد. شاید هم کسی را جستجو می کرد که بتواند آن را در چارچوب حراج بازارآزاد افغانی خریداری کند.

من این چیز را این گونه در لای روزهای کهنه پیچیده ام:

مردی درخیابانی
چو کیی را به دنبال می کشید
وفریاد می زد:
ارزان است بخرید!
با خود گفتم
شاید امریکا
ریاست جمهوری افغانستان را
به حراج گذاشته است

دوست مانند آن بود که اندکی سبک شده است. سبک چنان سایه یی از جای برخاست که رفتم، خدا کند چنین شعر هایی «اوت کم» ی داشته باشد!

گفتم «اوت کم» آن در ذهن تو دور می زند!

- گفت پس «امپکت» آن کجاست گفتم در دراز مدت پس از نشر کتاب پدیدار می شود.

آن گاه که پهلوان معرکه از مبارزه با نخود ها بر گردد!

دوست رفت مانند آن بود که به پرسش های بسیش سختی بافته است!

به والیان صلاحیت بیشتر داده می شود

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

چهارمین کنفرانس سه روزه حکومت داری خوب، از سوی ریاست اداره ارگان های محل در شهر کابل تدویر یافت. در این همایش تعدادی از ولسوالان ولایات حضور به هم رسانیدند دراین نشست ولسوالان، رئیس این اداره از یک پالیسی جدید بعد از کنفرانس هفتمین ولسوالان خبرداده است. در این پالیسی جدید گویا به والیان صلاحیت های بیشتر داده خواهد شد، مانند صلاحیت های بودجوی، عزل و نصب و تقرر، تبدیل، برنامه ریزی در زمینه های بازسازی و نوسازی ولایت وغیره. در این همایش رئیس ادارهٔ ارگان ها محل مدعی گردیده است که صلاحیت کاری والیان و ولسوالان مشخص نیست در این پالیسی این روابط مشخص خواهد شد.

به سخن دیگر، گویا این ارگان خواسته است تا دیگر والیان ولایت در امور ولایات دست باز داشته باشند، تا تیم کاری خود را تعین کند، در این استراتژی جدید شوراهای ولایتی با شفافیت می توانند از کارهای والیان و ولسوالان نظارت نمایند همچنان در این استراتژی والیان و ولسوالان در برابر شوراهای ولایتی پاسخگو باشند.

به همین منظور این ارگان مصمم است تا صلاحیت والیان در جهت مبارزه با کشت کوکنار را بیشتر نماید، این ارگان اصرار می ورزد که طرح مبارزه با مواد مخدر در حال چوکات بندی می باشد و مقام های ولایت ملزم خواهد بود تا این طرح را اجرا کنند.

والی ها درافغانستان به طور کلاسیک زبان دولت مرکزی در ولایت می باشند و با یک اشاره این والیان پالیسی مرکز را عملی می سازند این والی ها در حقیقت پایه های قدرت حکومت در دور ترین نقاط افغانستان می باشند. دادن صلاحیت از سوی ارگان های محل برای والیان و ولسوالان در شرایطی عنوان می شود که کشور در برزخ فساد، بی مبالاتی و بحران قرار دارد نه تنها توزیع سیاست واقتصاد متوازن در کشور وجود ندارد بلکه این دولت در تامین عدالت اجتماعی و حقوق انسانی از شهرتی خوبی برخوردارنیست.

به گفتهٔ رئیس ادارهٔ ارگان های محللی و والیان تا کنون به عنوان یک هماهنگ کنندهٔ ضعیف عمل کرده اند.

بعد از حکومت موقت تا کنون والیان و ولسوالان بنابر کفایت دلسوزی در ولایات توظیف نه گردیده اند، بلکه تقرر و تعین آن ها به اساس وفا داری با رئیس جمهور بوده است.

موفقیت و پیروزی این والیان بستگی به حمایت مقام های بلند رتبه دولتی می باشد. کسی که در تیم رئیس جمهور نزدیک تر است موفق تراست و کسی که در حاشیه این حمایت قرار دارد نا موفق تر به نظر می رسد. روی همین منطق برخی از والیان دارای صلاحیت بیشتر و تعدادی دارای صلاحیت کمتر اند. در یک چنین جو سیاسی پرتلاطم که تعدادی از این والیان از شهرت خوبی کاری برخوردار نیست. بنابراین یک چنین صلاحیت چیزی به نفع صلح و ثبات و شفافیت و بازگشت به نظام قانونی را کمک نمی کند. در شرایطی که پست های دولتی مانند، امتعهٔ تجارتی مورد معامله قرار می گیرد و در تعیین افراد و مسؤولان بلند پایه و در مرکز و ولایات شایستگی تجربه و کارایی وجود ندارد، یک سلسله صلاحیت های اضافی برای والیان فاقد مسؤولیت که فقط از قدرت قومی و سیاسی و دولتی برخودارمی باشند، نمی تواند مبارزه با فساد و بی مبالاتی را در ولایت به پیروزی برساند، در این شکی نیست که ادارهٔ محل پایه های نخستین حکومت را در ولایات تشکیل می دهد، هر قدر این نهادها براساس تقوا،کارایی ظرفیت و مسؤولیت عمل کنند، حکومت را در ولایات و ولسوالی های معرفی می کنند.

موفقیت و پیروزی این والیان بستگی به حمایت مقام های بلند رتبه دولتی می باشد. کسی که در تیم رئیس جمهور نزدیک تر است موفق تراست و کسی که در حاشیه این حمایت قرار دارد نا موفق تر به نظر می رسد. روی همین منطق برخی از والیان دارای صلاحیت بیشتر و تعدادی دارای صلاحیت کمتر اند

در صورتی که زمان حکومت موقت تا کنون یک دور باطل در مورد تقرر والی ها جریان داشته است. گاهی والی وزیر می شود و گاهی وزیر والی این چرخش نا میمون از پائین به بالا و از بالا به پائین در جریان می باشد. آنچه در تعیین این والیان مهم بوده است نقش آن ها در نفوذ قومی و قبیله یی وسیاسی بوده است، نه لیاقت و وفاداری و شایسته سالاری، در این استراتژی نه از شایسته سالاری ذکر به عمل امده است ونه هم از تعهد والتزام در برابر مردم.

بعد از هفت سال حکومت به فکر دادن صلاحیت های بیشتر به والیان گردیده است این کار در شرایط و اوضاع کنونی کشور بحث انگیز است، مردم می گویند دادن صلاحیت های بیشتر به والیان و ولسوالان که تعداد از آن ها به فساد وبی مبالاتی مشهور می باشند در حقیقت کاری در جهت استحکام و ارزش های قانونی در کشور نمی شود بلکه رئیس دولت خواسته است تا پایه های تیم انتخاباتی خود را در ولایات و ولسوالی ها با دادن امتیازات و صلاحیت های بیشتر به آن ها تقویه کند. طوری که در آستانهٔ انتخابات نخستین ریاست جمهوری یک سلسله تغییرات در سطح ولایت صورت گرفت و رئیس جمهور تیم خود را در محورهای اساسی جا به جا نمود. این جابجایی از مدتی به این سو در کشور نیز جریان دارد که ریشه در برنامه های انتخابات آینده کشور دارد.

و تعیین این مهره ها به هدف سیاسی صورت می گیرد نه براساس برنامه های ملی و عدالت و قانون. آیا اداره محل قادر خواهد بود بادادن یک سلسله صلاحیت ها به والیان جلو آلودگی سیاسی و اجتماعی را بگیرد. جایی دارد که نخست باید والیان و ولسوالان فرماندهان پلیس و روسای معارف قضات و .... براساس شایسته سالاری و تعهد التزام کارایی و تجربه استخدام گردند. تا بعد برای آن ها صلاحیت های بیشتر در امور تصمیم گیری ها محلی داده شود. دادن یک چنین صلاحیت ها، به والیان که در تیم رئیس جمهور فعالیت دارند نمی تواند جلو فساد، بیکاری و بحران را کاهش دهد.

پېښور کې پښتو ژبې ته د پام پيل

فقيري

لـه بده مرغه پـه تيرو وختونو کې پښتو ژبې تـه پـه پاکستان او پـه تيـره بيـا د پښتونخوا پـه سيمو کې پـام نـدی شـوی. پـه دې برخـه کې يـواځې حکومتونـه ګرم نـه دي بلکې پخپلـه پښتنو هم پـه دې هکلـه کـار نـه دی کړی او پښتو ژبې تـه پـاملرنې ور کـار نـدی شوی ډيرو پښتنو او پـه تېره بيـا تعليم يافتـه خوانـانو پـه پښتو ليک او لوسـت نـشی کـولای او خپـل خطونـه او يادداشـتونه پـه اردو يـا انګريزی ژبو ليکي.

د پښتو ژبې تـه چې څـه نـا څـه پـام شوی ؤ هغـه د پښتونخوا ګونـدونو لـه خـوا شـوی ؤ. عـوامی نـشنل پـارټي (نيـپ) يـا پـه بلوچـستان کـې د محمـود خـان اڅکـزی ګونـد د پښتو ژبـې او د پـښتو د حقوقـو علمبــرداران او دعويــداران دی خــو دوی او د دی ملاتړې هم پښتو ژبې تـه پام نلری او پـه خپلو خبرو يـا ليکنو کې دی مهمـی مـسالی تـه توجـه نکوي. دوی هم کلـه چې د پښتون کلـه ليکـی پـه اکثـرو وختونو کې "پختـون" ليکـي يـا د "ژوند" کلمـه پـه ج "جوند" ليکي.

د پاکستان پښتانه پـه خپلو خبـرو کې او پـه تيـره بيـا د شـمير او حـساب پـه برخـه کې اردو کلمـات او اعـداد کـاروي د بيلګـې پـه توګـه، هېڅکلـه شـل روپـی يـا سـل روپـی نـه وايي بلکې بيس روپـی او سـو روپـی وايـي. همدارنګـه کلونـه هـم پـه اردو يـادوی، مـثلاً د نـولس سـوه اويـايم (۱۹۷۰) پـه خـای اونـيس سـو سـتر وايـی او د دوډی د کلمې پـه خای "روټی" وايي او داسې نور...

خـو اوس او لـه تيـرو تاکنونـه وروسـته چـې عـوامی نـشنل پـارټی پـه صـوبه سـرحد کـې واک تـه رسـيدلې، داسـې ښکاري چـې پښتو ژبې تـه پـام پيـل شـوی د پېښور پـه ښـار کې ځينې لوحې پـه پـښتو ژبـه ليکـل شـوي او د ترافيکـي لارښـوونو ځينـې لـوحې د سړکونو پـه غاړه پـه پښتو ليکل شوی دی.

همدارنګـه د تلويزيـون (پېښور مرکـز) پـه پروګرامونـو کې هـم بدلون راغلی او پښتو ته يوڅه پام پيل شوی.

پـه پښتو کې د پاکـستان د پـښتنو لويـه سـتونزه، امـلا ده څرنګـه چـې مخکـې هـم اشـاره وشـوه، د پـښتو اصـلي تـوری کـم کـارول کيـږي او کلـه هـم پـه غلطـه توګـه. دا تيروتنې د تلويزيـون پـه پروګرامونـو کـې لـه ورايـه څرګنـديږي. د بېلګـې پـه توګـه د بـی نظيربوتـو د مړينـی د کليـزې پـه اړه پـښتو پروګرامونـه هـم خپريـدل او د بـی نظيـرې لـه وينـاو نـه اقتباسـات هـم د تلويزيـون پـه صـفحه کې پـه پښتو ژبـه او پـه ليکلی توګـه خپريـده. د بی نظيـر لـه وينـاؤ څخـه پـه پـښتو ژبـاړه شـوې څـو جملې پـه تکـرار خپريـږي چـې زه دا غـواړم... خـو د "زه" پـه ځـای "ځـه" ليکـل کيـږي پـه داسـی حال کې چې "زه" د دري ژبې د "من" معنا لري او "ځه" د "برو" په معنا ده.

په صوبه سرحد او بلوچستان کې پښتوته د صوبايي ژبې په حيث هم، نه دی شوی او په ښوونځيو کی داسی درسی او تعليمي نصاب نشته چې زده کوونکي وکولای شي. په پښتو ليک او لوست وکړي. د حيرانتيا ځای ده چې ښوونځی او ټولګی ته هم په پښتو او هم په اردو کی کلمی نلري او اسکول او کلاس وايي.

پېښور خو پېښور دئ

خاطراتی از سفر به پشاور

بينوا

پشاور نام یک شهر آشنا برای اکثر افغان هاست. شاید کمتر کسی باشدکه به این شهر سفر نکرده و یا نام آن را نشنیده باشد. نه تنها در سال های جهاد و هجرت بلکه قبل از آن نیز تعدادی از مردم ما به خصوص باشندگان ولایات شرقی به این شهر می رفتند. سفر به پشاور و عبور از سرحد تورخم جز در حالات خاص مشروط و مقید به داشتن پاسپورت و ویزه نبوده است. برخی از تجارو دکانداران برای خرید اموال به این شهر می رفتند و هنوز هم می روند. کسانی که مریض دارند و این مریض ها نیاز به عمل جراحی دارند، برای درمان رهسپار این شهر می شوند، زیرا از یک سو در مرکز کشور و ولایات همجوار امکانات لازم تداوی وجود ندارد و از سوی دیگر مصارف و مخارج درمان در شهر پشاور به مراتب کمتر و ارزان تر از داخل کشور است و اکثر دواها نیز از پاکستان به افغانستان وارد می گردد، و اضافه بر آن سفر به پشاور نیز آسان و درمقایسه با دهلی و جاهای دیگر ارزان تر است و بدون ویزه ممکن ومیسر!

هجرت: از سال ۱۳۵۷ یعنی پس از کودتای هفت ثور و بخصوص بعد از تجاوز ۶ جدی ۱۳۵۸ یورش اردوی شوروی به کشور، سلسله مهاجرت آغاز یافت و شدت گرفت. حتی قبل از کودتای هفت ثور، تعدادی از رهبران وفعالان نهضت اسلامی کشور جهت رهایی از جنگ رژیم داوودخان به این شهر مهاجر شده بودند سال ها قبل نیز مخالفان حکومت های افغانستان به این شهر پناه می بردندکه هجرت بوهاند عبدالحی حبیبی را در زمان سلطنت به پاکستان می توان یاد ورسد. نویسنده این سطور نیز در آغاز سلسلهٔ مهاجرت های وسیع در ۱۱ ثور سال ۱۳۵۷ (پس از کودتا) به این شهر و به جمع مهاجران سال های قبل پیوست.

پشاور در سال های جهاد و هجرت در سطح دنیا شهرت یافت و مرکز رهبری مجاهدین و مرکز تجمع رسانه ها بود تا از این شهر به جبهات داخل کشور بروند و گزارش های مستند را تهیه بدارند و مردم دنیا را آگاه سازند....

به دلیل اقامت طولانی و دوامدار، پشاور یک شهر دوست داشتنی برای مهاجران بود و وجود اشتراکات فراوان کلتوری، زبانی، تاریخی و دینی مردم را با مردم محل پیوند و گره داده است. امکانات رفاهی در پشاور نیز در مقایسه با شهر های کشور ما زیاد است و و برق و گاز و آب فراوان دارد.

خدمات ترانسپورتی و امکانات صحی طوری که گفته آمدیم به مراتب بهتر و ارزان تر از کشورماست و مکاتب و کورس ها و مساجد درهر محله وجود دارد و موارد ارتزاقی کافی و فراوان است.

مردم پشاور حتی طرفداران عبدالغفار خان و عبدالولی خان که از کشورهای کمونیستی و تجاوز شوروی حمایت می کردند نیز با مهاجران افغانستان رابطه خوب داشته و دارند و از کمک های آنان باید سپاسگزار بود. در هر محله حجره خان و ملک در مراسم شادی و غم مهاجران در خدمت مهاجران قرار دارد. مردم پاکستان و بخصوص ایالت شمالغربی(سرحد) و شهر پشاور به موسفیدان، زنان و کودکان نسبت به ما بسیار احترام و شفقت دارند و این یکی از خوبی های انکار نا پذیر این مردم است. بعضی از مردم در خارج از شهر ها، خانه ها را بدون دریافت کرایه به مهاجران داده اند و محصولات زراعتی و بخصوص سبزی ها را به صورت رایگان به مهاجران می دهند. هر داکتر افغان می تواند، کلنیک داشته باشد و هر مهاجر امکان تکسی یا ریکشا. این از امتیازاتی است که در سایر کشورهای همسایه و کشورهای عربی به افغان ها داده نمی شود.

این ها همه دلایلی اند که افغان ها در پشاور خود را بیگانه و مسافراحساس نمی کنند و بیشتر از کشور خویش از این امکانات بهره می گیرند و یکی از دلایل اقامت افغان ها دراین شهر داشتن امکانات یاد شده است.

ادامه دارد

خشم وجدان های بیدار

سید عنایت الله شاداب/ استاد دانشکدهٔ شرعیات

مبارزه و حق و باطل در طول تاریخ هرگز بر معیار تکافوی قـوا آغـاز نیافتـه و تنهـا همـان روح حـق خـواهی اسـت که به آن مبارزات قوت ونیرو می بخشد.

حرکت ومقاومت امروز غزه و رفتن گروه گروه آنان بـه اسـتقبال شـهادت درراه دیـن و سـرزمینی کـه ریـشه آن از آموزه های اسلامی و قربانی های بی دریغ این ملت آبیـاری مـی شـود، دیـر یـا زود بـه پیـروزی رسـیدنی اسـت و ایـن سنت الله است که سنت تاریخش هم خوانده اند.

بیش از بیست روز می گذرد که خون های نوباوگان وبیگناه، جوانان، پیره زنان و پیرمردان، کوچه ها، و سنگ ها و سنگ ریزه های سرزمین غزه، سرزمین عزت و سرفرازی، سرزمین شیخ یاسین ها سرزمین قبله اول از یک میلیارد مسلمانرا چون شفق خونین جامه کرده و از "ونیزویلا" در امریکای جنوبی گرفته تا دشت های برف پوش سایبریا، وجدان های بیدار را دردمند ساخته است.

مادر امت اسلامی، دوران زایمان فرزند نوی را سپری می کند که با شعار "حسبنا الله و نعم الوکیل" از زبان زنان ومردان بی دست و پا از سوراخ های به جا مانده از مرمی های آتش زای دشمن و از روها و بدن های سوخته از آتش بم های خوشه یی فاسفور دار، طنین انداز می شود.

این شعار و این وضع خونبار و جانسوز، خود گویای آن است که درمیان این سربازان راه سرفرازی و اعتلای امت و بازیگران عرصه های سیاست، پیوند وجود ندارد.

وضع کنونی حاکم برغزه و حصارهای مسلط بر گذرگاه ها و معابری که همه اهالی بیدفاع غزه را در خط نابودی قرار داده، وجدان های بیدار در سراسر جهان عرب، جهان اسلام و جهان آزاد را به چالش گرفته و فریاد ها و شعارهای "العرب سکوت و غزه تموت" عرب خاموشند و غزه می میرد" سرا پای جهان را در خود پوشیده است.

زی در همچو یک فضای ... سیسی محبت گونه جهان اسلام ...

که جنایتکاران اسرائیل فریاد سر می دهند" ضربه یی را که در این چند روز نیروهای ما به تروریست ها وارد کرده اند در شانزده سال هیچ قدرتی وارد نکرده است"

و همین است پیامد بی همتی سران کشورهایی که مدافعان راه آزادی و کرامت، تروریست خوانده می شوند و قاتلان ملت مدافعان صلح وآرامش نام می گیرند.

مقاومت و ثبات جانبازان قهرمان فلسطین و قربانی های بی دریغ جانی و مادی باشندگان غزه نه تنها توده های عرب را در پهلوی خود قرار داده است که همه آزادگان جهان در سطح ملت ها و دولت ها را به سوی خود کشانده است.

این طوفان اراده ملت و خشم آنان در برابر تجاوزات و کشتار اسرائیل، بیسیاری از اریکه نشینان جهان اسلام را در سراسیمه گی ها در برابر این خیزش و رستاخیزمی کشور های عربی و اسلامی.

در چنین وضعیتی که ونیزویلا و بوفویا روابط سیاسی خویش را با اسرائیل در حال تعلیق قرار می دهند، از از نماینده اسرائیل در مصر دعوت به عمل می آید تا طرح "تهدئه" آرام سازی، جنبشی را که برای وطن و حق زندگی در وطن قیام کرده است، سرو سامان دهند.

ای کاش سران جهان اسلام در اتخاذ مواضع خویش در برابر اسرائیل وضع حاکم برغزه بحیث تراژدی دوران معاصر را که در تاریخ بشریت بی سابقه است، همان خطی را تعقیب می کردند که طیب اردوغان در ترکیه و چاویز در ونزویلا تعقیب کردند.

رهبران آگاه یقیننا به این باورهستند که مشروعیت آنان تا انوقت اعتبار دارد که در پهلوی ملت های خود قرار گیرند، و ترجمان عواطف و احساسات و باورهای آن ها باشند.

همان گونه که زندگی ملت ها ظهور و زوال و شیب و فراز و عروج و نزول دارند در مبارزات آزادیخواهانه و ارزشگرانه هیچ گاهی تکافو و ...

نیروها مطرح نبوده طوری که برخی از رهبران کشورهای عربی در توجیه موضعگیری های خویش چنین منطقی را به کار می گیرند.

سخنگوی حزب ملّی طرفدار حکومت مصر در مصاحبه یی که با خبرنگار الجزیره انجام داد گفت ما از مقاومت حمایت می کنیم، اما چون تناسب قوا وجود ندارد، بخاطر جلوگیری از خونریزی بیشتر اطفال و ... باید راه دیگری را جست.

اگر در تاریخ گذشته های دور و مبارزات جنبش های رهایی بخش و ملی بگذریم در همین تاریخ معاصر، در جنگ ویتنام برضد امریکا و جهاد افغانستان بر ضد شوروی متجاوز، هرگز تکافو قوی معیار نبوده بلکه تنها و تنها معیار همانا وفاداری به باورهای حق مدارانه جنبش های آزادی خواهی می باشد وبس.

آن های که تاریخ پیروزی مبارزات آزادی بخش ... چنین دیدی می خوانند تاریخ را کور خوانده اند.

مبارزه و حق و باطل در طول تاریخ هرگز بر معیار تکافوی قوا آغاز نیافته و تنها همان روح حق خواهی است که به آن مبارزات قوت ونیرو می بخشد.

حرکت ومقاومت امروز غزه و رفتن گروه گروه آنان به استقبال شهادت درراه دین و سرزمینی که ریشه آن از آموزه های اسلامی و قربانی های بی دریغ این ملت آبیاری می شود، دیر یا زود به پیروزی رسیدنی است و این سنت الله است که سنت تاریخش هم خوانده اند.

و سخن آخرهم این که رهبری های درجهان اسلام و کشورهای عربی که بخش عمده این پیکرهٔ عظیم را تشکیل می دهند، بقای آنان در سمت رهبری این ملت ها در گرو ترجمانی آن ها از آرمان های ملت های مسلمان بوده و در غیرآن نه قدرت پایاست ونه هم عزت تاریخی شان.

نکته دیگری را که در این راستا باید یاد آور شد این است که کاهش بحران در کشورهای اسلامی که اکنون در محراق توجه جهان قرار دارد مربوط به آن است که باید جهان به باورهای آن ها و نظامی که آن ها می خواهند مبتنی بر باورهای خود پایه گذاری کند احترام قایل بوده و در خط گفتگوی تمدنی قرار گیرند تا تقابل تمدنی و اگر سیاست بازیگران سیاست جهانی دربرابر حرکت خاسته از متن مردم دراین کشور تغییر بنیادی نکند بازهم همان آش خواهد بود و همان کاسه.

پاکستان د ستونزو په گرداب کې ...

د بن د پریکړې په نتیجه کې د راغلي نظام پرخلاف د طالبانو د مقومت په راڅرګندېدلو کې هم په پاکستان باندې تور موجود دی چې د کرزي رژیم پرخلاف یې تشویقوي او سمبالوي یې. په داسې حال کې چې هغه "د هندو ستري خداي د راضه" لوبه په پاکستان شوې. خکه طالبان هم پاکستان ته د دغه دولت د هغه دوه مخي سیاست په خیلولو سره، په غوسه دی چې له مخې یې د طالبانو پرخلاف د عملیاتو کولو په نوم له امریکې څخه مرستې اخلي او کله ناکله یې پرخلاف جګړه هم کوي. چې لاملـه یې په دې وروستیو دوو کلونو کې د پاکستان د ننه هم د افغاني طالبانو سره موازي د پاکستاني طالبانو یو غورځنګ سر راپورته کړی چې د هغوی خودسریو او د پاکستاني دولت سره د پټ پټوني عملیاتو امریکاته جواز ورکړی. او د پاکستان اړوند په قبایلي سیمو کې پرې امریکې بې پیلوټه الوتکې توغندي وروي او د خکه چې د افغانستان په دننه کې د امریکې او ائتلافي خواکونو لپاره د اړونکو لاریو ته د ګوابن پر پرتله په پاکستان کې دننه هم. اوس د ګوابن زیات شوي چې په تیرو څو میاشتو کې څو ځلې دغه لارې د افغانستان او پاکستان ترمنځه لیرې په اوږدو کې وسوځولې شوې او په کې بې ملونه، تیل، جنګي مهمات او خوارکي توکي لوټ یا وسوځولی شو. چې لاملـه خوږې امریکې د بدیلې لیارې په فکر کې شوې هم دده

په دغه تیره اونۍ کې د خیبر په سیمه کې د لارې د امنیت د ښه کولو په منظور پاکستاني پوځونه په سیمه عملیات ترسره کړل چې د نږدې دوو سوو په شاوخوا کې امنیت ته ګواښوونکي خلک یې ونیول او د ځینو خوږې کورونه هم وسوځول. له هغې وروسته د خیبر هغه تړلی شوې لیار بېرته خلاصه شوه چې د عملیاتو د انجمولو لپاره د پاکستان دولت بنده کړې وه. خولا اوښي نه وه تېره شوې چې یو ځل بیا به دغه لیار د نامعلومو کسانو لخوا په هغه راتلونکو لاریو او کړو حمله وشوه چې ایتلافي خواکونه په غذايي توکو په شمول د ارتیا ور سامانونه او مهمات را رسوي. د کومو کرلاملـه چې اوس د پاکستان دولت د کویټې او قندهار له لیارې د دغو لیرود را رسولو تا بیا نیولې او ښایې چې امریکې یې خواکونو ته د کویټې - کندهار لیار د تورخم د لیارې په نسبت ګټوره اوسي. خکه امریکې هوډ نیولی چې افغانستان ته چېرته چې طالب مقاومت د نورو سیمو په پرتله پیاوړی دی. د سرحد په ایالت کې او په خنګړې توګه په قبایلي بجنسیو کې د طالبانو له دغه راتوکیدلي ګواښ پرته چې پاکستان یې د ډانګ او پرانګ ترمینځه ودرولی. پاکستان په جنوبي سرحد کې له هندوستان سره اړیکي هم د بمب یې له هغې پېښې وروسته کړکیچنې شوي چې د هندوستان یوولسم سپټمبر ګڼل کیږي او په نتیجه کې یې د هندوستان د پر شیدو لاملـه پاکستاني دولت دې ته اړ شوی چې خپل پوځي قطعات د هند او پاکستان په ګډ سرحد واتچوي: دا کړکیچ لا اوسه تازه دی او په دې وروستیو کې خو د هند دولت په دې پېښه چې د پېښې پرمهال په پاکستان کې له بمب یې څخه د یوچ سره په تماس کې و یې چې څلور تنه بهرني میشت مو یرغمل کړي او هند ادعاء لري چې دغه خلک د لشکر طیبه له سازمان سره تړاؤ لري خو پاکستان هر ځل دغه تورونه ردوي او د انګلستان د صدر اعظم "دیوید میلین" له څرګندونو وروسته چې د پاکستان په اړه وایي: ګومان نه کېږي پاکستان په دې پېښه کې لاس ولري، هند بیا دغو شهادتونو ورانـدې کولوته زور ورکړی دی.

همدارنګه په دې وروستیو کې په لویدیځو رسنیو کې د پاکستان د اتومي قوت په اړه دغه پروپاګند پیل شوې چې ښایي د اوریکو په لاس کې ولویږي چې به ورسره نړۍ له ستر ګواښ سره مخ شي خو دا خل پاکستاني مقاماتو ډېر په زغرده وویل چې د پاکستان اتومي تنصیبات او ذروي وسلې په خوندي لاسونو کې دي په دې اړه هیڅ شک نه دی په کار، او که څوک غواړي چې د یو څو ملیونو ډالرو په بدل کې پاکستان دغه وسلې او تنصیبات د هغوی په لاس کې ورکړي، نو دا له عقل لیرې خبره ده. د پاکستان هر با ضمیره اوسیدونکی کله هم د دې کار انجمولوته تیار نه دی او دا هغه څه دي چې لاپخوا به د پاکستان د مذهبي ګوندونو لکه جماعت اسلامي لخوا د مشرف په حکومت په دې اړه تور لګول کیده چې نوموړي دغه تنصیبات امریکې ته په اختیار کې ورکړي دي

دا ټول تورونه او دعوې ګانې هغه څه دي چې لویدیځه نړۍ له عراق او افغانستان وروسته غواړي د ترهګرۍ په نوم روانه دغه جګړه پاکستان ته د غځولو سره سره پاکستان د بمب یې له پېښې وروسته له بېلابېل ډول ګواښونو او ستونزو سره مخ کړي

دافغانستان بانک بانکنوت جدید ...

آقای فایق در ادامهٔ سخنانش گفت که پول جدید هیچ گونه تفاوتی در شکل و دیزاین و یا اندازه با پول های فعلی نخواهد داشت، ولی از کیفیت به مراتب بهتر برخوردار خواهد بود. چنانچه عمر بانکنوت های موجود سه سال در نظر گرفته شده بود و بانکنوت های جدید شش سال عمر خواهد داشت.

آقای فایق در مورد چگونگی بانکنوت های که فرسوده شده اند می گوید: د افغانستان بانک همواره پول مندرس و غیر قابل استفاده را جمع آوری نموده و حریق می نماید و در عوض آن پول جدید را به نشر می رساند. برنامهٔ تعویض پول افغانی در آغاز سال ۱۳۸۲ تکمیل گردید و با در نظر داشت عمر بانکنوت ها تا اکنون بیش از ۲ میلیارد افغانی بانکنوت مندرس و غیر قابل استفاده از سال ۱۳۸۴ بدین سو حریق گردیده است.

آقای فایق در پاسخ به این نگرانی که چاپ پول جدید تورمی پولی به بارمی آورد گفت: در صورتیکه پول جدید موازی با رشد اقتصادی کشور به نشر برسد، هیچگونه تورمی را ببار نخواهد آورد و از ارزش افغانی نیز نخواهد کاست. بانک مرکزی افغانستان طی سه ربع اول سال ۱۳۸۷ بیش از ۹۵۰ ملیون دالر را به فروش رسانیده است که این امر مقدار پول در جریان را متناسب با رشد اقتصادی و ضرورت سیالیت اقتصاد تنظیم نموده است.

از آقای فایق پرسیده شد که بانکنوت های جدید در کجا و چگونه چاپ خواهند شد گفت: چهار شرکت چاپ بانکنوت کانادایی، فرانسوی، انگلیسی و آلمانی در پروسه مناقصه چاپ پول جدید اشتراک ورزیده بودند که از این میان، شرکت انگلیسی De La Rue برنده محسوب گردید و قرارداد چاپ پول جدید با آن شرکت به امضا رسید.

آقای فایق گفت، مصارف چاپ پول جدید که حدود ۱۰.۵ میلیون دالر هزینه بر می دارد، از بودجه دافغانستان بانک برداشته می شود.

و سخن آخر آقای فایق این بود که چاپ پول جدید به معنی نشر و یا تزریق آن در جریان اقتصادی کشور نمی باشد. بلکه پول جدید در خزانهٔ د افغانستان بانک نگهداری می گردد و نشر آن با در نظر داشت اهداف سیاست پولی د افغانستان بانک (تامین و حفظ ثبات قیمت های داخلی، حفظ سیالیت (نقدینه گی) در اقتصاد و ثبات نسبی نرخ مبادلهٔ افغانی) به تدریج صورت می گیرد.

کارمندان روزنامهٔ پیمان مورد پیگرد ...

چنان که گفته می شود مطلب نشر شده اساساً ترجمه یی از یک نوشتهٔ خارجی است و به قلم یک غیر مسلمان نوشته شده است و نه نوشتهٔ نویسندگان پیمان، هرچند این سخن به معنای بی مسؤولیت ساختن کارمندان پیمان نیست اما بی درنگ با این که این مطلب نوشته یی از نویسندگان پیمان باشد تفاوت زیاد دارد چون گفته اند "ناقل الکفر لیس بکافر"

بازجویی از کارمندان پیمان در این زمینه کاری است که روزنامه نگاران را متوجه مسؤولیت های شان می سازد تا در کار لطیف روزنامه نگاری توجه بیشتر مبذول دارند، لهذا آنان را نباید به شمار عامدان آورد و سزاوار مجازات بیشتر دانست چون آدمیان جز پیامبران علیهم السلام همه جایز الخطااند (کل بنی آدم خطاؤون و خیر الخطائین التوابون) و "خداوند، خطا بخش و پوزش پذیر"



ازدواج های اجباری

عوامل و راه حل ها

محمود الله فیروز

عنصر رضایت و توافق طرفین در ازدواج، یکی از عوامل استحکام نهاد خانواده است اما متاسفانه از گذشته تا امروز ازدواج های اجباری و ناخواستهٔ بسیاری به وقوع پیوسته است که در این نوع وصلت ها معمولاً بیشترین ضربه ها متوجه دختران بوده است که در دراز مدت یا کوتاه مدت شیرازهٔ زندگی خانوادگی را از هم می پاشد و سر انجام زندگی جوانان و خانواده ها را دچار مشکل می سازد

در افغانستان هر خانواده علاقمند است تا فرزندان شان ازدواج کنند، هرچند بسیاری از این خانواده ها ترجیح می دهند فرزندان شان به میل خودشان ازدواج کنند اما بسیاری از خانواده های دیگر این حق را به فرزندان نمی دهند و آن ها را خلاف میل و خواست آن ها به ازدواج مجبور می سازند.

برخی از خانواده ها وقتی می بیند که دخترش جوان شده، او را بدون درنظر داشت رضایت وی به ازدواج پسر خاله، کاکا، عمه و یا اقارب دیگرش در می آورند. هر ازدواجی که از جانب والدین یا بزرگان خانواده ها، بدون درنظرداشت رضایت دختر یا پسر صورت گیرد، ازدواج اجباری گفته می شود. ازدواجی که در آن رضایت طرفین و توافق طرفین در نظر گرفته نشود و فرد به اجبار و اصرار اطرافیان وادار به ازدواج با مرد یا زنی شود، این ازدواج بعدها در جریان زندگی مشترک با آسیب های متعددی مواجه می شود.

ازدواج اجباری، چرا؟

ازدواج های اجباری عوامل متعددی دارد که به برخی این عوامل اشاره می شود:

۱- فقر، فقر و بحران مالی خانواده و ناتوانی والدین در تأمین نیازهای فرزندان، یکی از عوامل اجبارو اصرار والدین به ازدواج های ناخواسته فرزندان است. در کشورما، والدین، دختران را بار مالی بر خانواده می دانند و به هدف کاستن فشار مالی، دختران خود را بدون در نظر داشت رضایت آنان به ازدواج می دهند.

همچنان زنان بدون همسر چون از نظر اقتصادی آسیب پذیرترند و دستمزد آنان پایین تر و فرصت های کار برای آنها کمتر از مردان است، بیشتر آنها به دنبال این هستند با ازدواج برای خود امنیت اقتصادی فراهم کنند.

۲- ملاحظات اخلاقی برای جلوگیری از فساد، بیشتر خانواده ها برای توجیه ازدواج زودهنگام دختران خرد سن خویش، استدلال می کند که به لحاظ دینداری، دختر خویش را هرچه زودتر به شوهر می دهند. اما در مواردی این کار نتیجهٔ معکوس داده بر اثر نارضایتی، زن از شوهرش که اجباراً بر وی تحمیل شده است به فساد اخلاقی روی می آورد.

۳- فرار از عیب جویی های دیگران، در برخی از خانواده ها شاهد هستیم که دختران فقط به خاطر فرار از عیب جویی های دیگران شوهر می کنند و این باور در جامعهٔ ما رسوخ دارد که اگر یک دختر سالیان دراز در خانهٔ پدر بماند و شوهر نکند، این کار عیب دانسته شده و سوال برانگیز است، بناءً دختر به منظور فرار از این بگو مگوها، تن به ازدواج ناخواسته می دهد.

٤- سهل انگاری والدین، گاهی هم والدین به خصوص پدران به خاطر لطف و مهربانی به دوستان و نزدیکان خود، و ثابت ساختن دوستی و وفاداری به آنها حاضر می شوند دختران و یا پسران خود را در کودکی نامزد کنند و کمتر به این اندیشیده اند که ممکن است این وصلت نادرست باشد و یا هم عواقب آن به کودکان شان خطر ناک. شاید هم این موضوع کمتر برای شان قابل اهمیت باشد.

٥- موجودیت سنت های قبیله یی و قومی، در کنار این عوامل می توان موجودیت فرهنگ های قبیله یی و قومی را اضافه کرد که در برخی مناطق کشورما رایج است. در برخی مناطق خانواده ها و یا سران قبیله دختران شان را به ازدواج فردی غیر از قبیلهٔ خودشان نمی دهند. در چنین ازدواج های خانوادگی، معمولاً امکان رضایت طرفین مخصوصاً دختر کم است، اما رئیس خانواده یا قبیله با زور این خواستهٔ خویش را اعمال می کند.

همچنان باید گفت که سنت ازدواج اجباری نه تنها برای دختران خرد سال بلکه برای دختران بزرگتر هم اتفاق می‌افتد . مثلا وجود باورهایی مثل «عقد دختر کاکا و پسر کاکا در آسمان‌ها بسته شده» باعث می‌شود که دختری با تحصیلات دانشگاهی به ناچار با پسر کاکایش که بی سواد و یا کم سواد است ازدواج کند.

باید گفت که بخشی از ازدواج های اجباری، گاهی برای از بین بردن خصومت های خانوادگی صورت می گیرد.

٦- بی سوادی یا کم سوادی، در این شکی نیست که دلیل اصلی بسیاری ناهنجاری های اجتماعی جهل است، آشنا نبودن خانواده ها مخصوصاً اولیای کودکان به حقوق کودکان و منافع و سرنوشت فرزندان خویش ناآگاهانه آن ها را جبر به ازدواج می دهند.

ازدواج اجباری از دیدگاه شرعی و قانونی

در دین مبین اسلام هرچند که سنین مختلف برای بلوغ دختران و پسران تعیین شده است ولی همهٔ فقها رضایت طرفین در عقد نکاح را شرط اصلی ازدواج دانسته اند. در شریعت اسلامی مخصوصاً فقه حنفی دختری را با زور و اکراه به نکاح کسی در آوردن و او را مجبور ساختن به ازدواج ممنوع است. در شریعت اسلامی تصریح شده است که مرد باید با صراحت اعلان رضایت نماید. اما زن اگر ازدواج دومش باشد، باید با صراحت اعلان رضایت کند. اما اگر نکاح نخستین دختر باشد و از روی شرم نتواند با صراحت اعلان رضایت کند، از سکوت وی دانسته شود که به ازدواج رضایت دارد، اما اگر علایم نارضایتی دیده شود. چنین ازدواجی نادرست است.

بناءً خانواده ها تلاش کنند تا معیار رضایت طرفین را در نظر بگیرند و مخالف احکام صریح دین مبین مقدس اسلام و قوانین نافذ کشور بدون در نظر داشت رضایت طرفین به ازدواج آنها اقدام نکنند. در غیر آن این ازدواج در زمرهٔ ازدواج های اجباری قرار می گیرد و ازدواج هایی که در آنها میل و رضایت زن و شوهر برای همسری یکدیگر در نظر گرفته نمی شود، بدون شک بعدها در جریان زندگی مشترک با آسیب های بیشتری مواجه خواهد شد.

پیامدهای ازدواج های اجباری

عنصر رضایت و توافق طرفین در ازدواج، یکی از عوامل استحکام نهاد خانواده است اما متاسفانه از گذشته تا امروز ازدواج های جبری و ناخواستهٔ بسیاری به وقوع پیوسته است که در این نوع وصلت ها معمولاً بیشترین ضربه ها متوجه دختران بوده است که در دراز مدت یا کوتاه مدت شیرازهٔ زندگی خانوادگی را از هم می پاشد و سر انجام زندگی جوانان و خانواده ها را دچار مشکل می سازد. این چنین ازدواج هایی که متاسفانه در کشور ما وجود دارد، از نظر صاحب نظران با مشکلاتی نظیر عدم درک متقابل یکدیگر و نداشتن انگیزه یی برای تأمین هزینه های زندگی مواجه خواهد شد که سرانجام برای رهایی از چنین وضعیتی طلاق و یا خودسوزی و خودکشی، همسرکشی و... همیشه راه حلی است که در ذهن زن و شوهر می چرخد.

هم اکنون خودسوزی و خودکشی های ناشی از ازدواج های خالی از احساسات عمیق بسیاری از مسؤولین و در مقیاس کوچک تر خانواده ها را نگران کرده است.

هر چند برای طلاق و یا خودسوزی ها و خودکشی ها می توان دلایل و موارد متعددی را برشمرد، اما ازدواج های اجباری یکی از مهمترین آنها است.

باید گفت بسا اوقات زن و شوهر با شناخت کافی از هم و تحمل ناهماهنگی ها و چشم پوشی از عیب های یکدیگر، قادر می شوند به زندگی مشترک ادامه بدهند. اما با آن هم روانشناسان معتقدند دختران و پسرانی که به اجبار تن به ازدواج می دهند، با مسائلی نظیر خلأهای عاطفی و روانی روبرو می باشند و ناخواسته این مشکلات را در طول زندگی مشترک به فرزندانشان نیز منتقل می کنند.

باید گفت که ازدواج های زودهنگام یکی از اشکال ازدواج های اجباری است. چون اکثر دختران خرد سال حاضر نمی شوند ازدواج کنند و خانواده ها آن ها را با زور و جبر به نکاح در می آورند. این نوع ازدواج های جبری پیامدهای ناگواری برای خانواده ها و جامعه به بار می آورد.

ازدواج های زودهنگام دختران مانع رشد شخصیت آنان در آینده می گردد و نه تنها دختران را از تعلیم باز می دارد بلکه فرصت های دیگر رشد و پیشرفت را از آنان درزندگی می گیرد. وقتی چنین دختران به خانهٔ شوهر می روند به قدری تحت فشارهای روانی اعضای خانواده شوهر قرار می گیرند که توانایی تبارز شخصیت خود شان را پیدا نخواهند کرد و به آنها هیچ فرصتی برای ابراز حضور در تصمیم گیری های خانوادگی داده نمی شود.

ازدواج قبل از وقت دختران را از تعلیم و تربیه محروم می گرداند. معمولاً اتفاق می افتد که خانوادهٔ شوهر قبل از نامزدی برای دختر و خانوادهٔ او وعده می دهند که بعد از ازدواج در راستای ادامهٔ دروسش مانعی ایجاد نخواهند کرد اما دیده شده است که بعد ازازدواج به چنین وعده ها عمل نمی شود. اما در مواردی اندک دیده شده است که برای دختر بعد از ازدواج، شوهر و خانواده وی زمینهٔ ادامهٔ تعلیم و تربیه را فراهم ساخته باشند اما با آن هم عروس قادر نمی شود که با خاطرآسوده به دروسش ادامه بدهند و سرانجام ادارهٔ مکاتب برای چنین شاگردان موانعی را ایجاد می نمایند وآنان را وادار می کنند تا در مکاتب مسلکی زنان تحصیل خویش را ادامه بدهند. به همین ترتیب بارها دیده شده است که اکثریت دخترانی که بعد از ازدواج از ادامهٔ دروس خویش بازمانده اند با وجود مهیا بودن همهٔ امکانات معیشتی در زندگی نتوانستند به دروس خویش ادامه بدهند و از وضعیت پیش آمده اظهار ندامت و پشیمانی کرده و آن را خلأ بزرگی در زندگی خویش دانسته اند.

چه باید کرد؟

در شریعت اسلامی رضایت شرط اصلی ازدواج می باشد، اما متأسفانه در بسا موارد این شرط در نظر گرفته نمی شود. بناءً باید قوانین و مقرراتی را تدوین کرد که پدر بدون رضایت و تمایل دختر نتواند او را وادار به ازدواج تحمیلی کند که باید سند رضایت نامه زن مورد تأیید مراجعه قانونی قرار گیرد و ضمیمهٔ سند ازدواج شود و تعیین سن مناسب ازدواج یکی از اقدامات قانونی برای کاهش ازدواج های اجباری است و با اولیایی که بدون هماهنگی دختر و یا پسر چنین ازدواج هایی اقدام می کنند، برخورد قانونی صورت بگیرد.

همچنین در کنار این موارد بلند بردن سطح فرهنگ و آگاهی مردم، آموزش و توانمند سازی زنان، ارتقاء آگاهی های خانواده در خصوص حقوق دختران و نیز تبعات ناگوار ناشی از چنین پدیده و ارائهٔ آموزش های لازم به دختران و پسران جوان در پیشگیری از وقوع چنین ازدواجهایی موثر است. زیرا اگر مردم و خانواده ها مخصوصاً پدر و مادر سواد کافی را نسبت به پیامدهای منفی ازدواج دختران در سنین پایین داشته باشند، هیچ وقت دختر شان را در سن کودکی وادار به ازدواج نمی کنند. همچنان در صورتی که دختران از امکانات آموزشی بهره مند شوند می توانند برای آینده و سرنوشت خود تصمیم بگیرند و زمان ازدواج خویش را خود تعیین کنند.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قران کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هفتم – شمارهٔ سی و دوم شنبه ۲۷ جدی ۱۳۸۷- ۲۰ محرم ۱۴۲۹ - 17- January 2009

سال خونین پیشرو است



جنرال عظیمی سخنگوی وزارت دفاع در یک نشست خبری مشترک با سخنگویان نیروهای ناتو و امریکا گفت سال ۲۰۰۹ سال خونین تری برای افغانستان خواهد بود. وی در توضیح این ادعا افزود، در سال آینده حدود ۶۰ هزار تن وارد صفوف نیروهای خارجی و افغانستان خواهد شد. امریکا قبلاً اعلان نموده قصد دارد از ۲۰ تا ۳۰ هزار نیروی تازه دم به افغانستان اعزام نماید، همچنان بنا بر اظهارات آقای عظیمی، حدود ۳۰ هزار افراد به نیروهای مسلح افغانستان افزوده خواهد شد. به گفته سخنگوی وزارت دفاع با افزایش نیروهای خارجی و داخلی، فشار بر مخالفین مسلح دولت شدت یافته و دولت افغانستان عملیات بیشتری علیه شورشیان انجام خواهد داد.

آقای عظیمی در این نشست، به چالش های جنگ با شورشیان در سال ۲۰۰۹ اشاره نموده افزود. در سال ۲۰۰۹، طالبان از تکتیک قرار دادن غیر نظامیان به عنوان سپر دفاعی استفادهٔ بیشتر خواهند کرد. در نتیجهٔ این تکتیک تلفات غیر نظامیان افزایش خواهد یافت. وی همچنین از بمب های کنار جاده به عنوان یکی از مهمترین چالش های نیروهای افغانستان و خارجی یاد کرد. در سال گذشته نیز بیشترین تلفات نیروهای بین المللی بر اثر بمب های کناره جاده به میان آمد که توسط مخالفان مسلح دولت انجام یافت.

سال ۲۰۰۸ نیز خونین ترین سال پس از سرنگونی طالبان بود. در آن سال بیش از ۳۰۰ سرباز خارجی کشته شدند.

آگاهان امور نیز سال آینده را خونین ترین سال در افغانستان پیش بینی می کنند، برای جنگ های سال آینده هر دو جانب هم نیروهای بین المللی و وزارت دفاع افغانستان و هم مخالفان مسلح دولت، آمادگی می گیرند، اما آنچه که نمی توان با قطعیت در مورد آن ابراز نظر نمود، نتیجهٔ این جنگ های شدید در تضعیف نیروهای درگیر می باشد. تجربه ثابت نموده است که تکیه بر افزایش نیروهای نظامی و غفلت از راه حل های سیاسی نمی تواند منجر به نابودی شورشیان گردد، از جانب دیگر نیز جامعه بین المللی و قدرت های بزرگ دنیا آماده نیستند افغانستان را به طالبان و یا القاعده واگذار نمایند.

با توجه به این حقیقت می توان پیش بینی کرد که متأسفانه جنگ و خون ریزی، کشتار غیر نظامیان و مصیبت های دیگر ادامه خواهد یافت. و قربانی اصلی آن شهروندان بی دفاع افغانستان خواهند بود.

رویدادهای هفته

والی هرات از مقامش برکنار شد

سید حسین انوری که از حدود چهار سال قبل بدین سو به حیث والی هرات کار می کرد روز چهارشنبه ۲۶ جدی از مقامش برکنار و دکتر احمد یوسف نورستانی به عنوان والی جدید این ولایت منصوب شد. یوسف نورستانی قبل از این به صفت معاون اول وزارت دفاع ملی ایفای وظیفه می کرد.

فرمانده عمومی قول اردوی ۲۰۷ ظفر هرات کشته شد

بصیر غوری سخنگوی فرماندهی قول اردوی ۲۰۷ ظفر هرات تائید ضمن تایید این خبر گفته است، که هلیکوپتر حامل فضل احمد سیار فرمانده عمومی قول اردوی ظفر و دوازده تن دیگر از پرسونل این فرماندهی در ولسوالی ادرسکن در منطقه شاه بید ولایت هرات به اثر آلودگی هوا سقوط کرد و تمام دوازده تن از سرنشینان این هلیکوپتر به شمول عمومی، رئیس دفتر، رئیس مخابره، چهار پیلوت و پنج تن از محافظین فرمانده قول اردوی ظفر کشته شده اند.

سفر جوبایدن به افغانستان

جوبایدن معاون منتخب باراک اوباما رئیس جمهور امریکا روز شنبه ۲۱ جدی از افغانستان دیدارکرد، بایدن و هیات همراه اش با فرمانده عمومی نیروهای ناتو در بگرام دیدار و گفتگو کردند بایدن در جریان دیدارش از افغانستان گفت که قراراست هزاران سرباز تازه نفس امریکایی با تجهیزات نظامی بهتر در جنوب افغانستان مستقر شوند.

مدیراخبار روزنامهٔ پیمان بازداشت شد

نظری پریانی مدیر اخبار روزنامهٔ پیمانه به جرم نشر یک مطلب کفرآمیز از سوی دادستانی کل افغانستان بازداشت گردید. مسؤولان روزنامهٔ پیمان گفته اند که هیات دادستانی کل در قدم اول هفت تن از خبرنگاران و نویسندگان این روزنامه را به دادستانی بردند و بعداً دیگران را رها کرده ولی مدیراخبار این روزنامه را بازداشت کرده اند. مسوولان پیمان این اقدام دولت را توطئه سیاسی می خوانده اند.

سقوط یک بالگرد نیروهای امریکایی در کابل

نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان اعلام کرده اند که یک بال هلیکوپتر این نیروها روز جمعه ۲۷ جدی در کابل سقوط کرده است.

نیروهای امریکایی با انتشار بیانیه یی گفته اند این هلیکوپتر در جریان یک ماموریت به دلایل نا معلوم دچار حادثه شده اما به سرنشینان این هلیکوپتر آسیبی نرسیده است.

سال ۲۰۰۹ خونین اما بهتر از سال گذشته

ژنرال محمدظاهر عظیمی سخنگوی وزارت دفاع افغانستان نشست مشترکی با سخنگویان نیروهای خارجی در کابل گفت که سال ۲۰۰۹ میلادی با افزایش نیروهای ارتش این کشور فشار بیشتری بر شورشیان مخالف دولت وارد خواهد شد.

ژنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی این وزارت در نشست مشترک خبری با سخنگویان نیروهای ناتو و آمریکایی مستقر در افغانستان در کابل گفت، سال ۲۰۰۹ در مقایسه با سال ۲۰۰۸ برای افغانستان سال بهتری خواهد بود.

آقای عظیمی گفت در سال ۲۰۰۹ میلادی حدود ۶۰ هزار تن به نیروهای افغان و خارجی افزوده خواهد شد و همچنین به گفته او، شمار نیروهای پلیس این کشور هم افزایش خواهد یافت.

دست داشتن شورشیان در این حادثه رد شده است

۵۰۰ میلیون دالر برای مبارزه با ماین

اداره مین روبی سازمان ملل متحد اعلام کرده است که برای اجرای برنامه مین روبی در پنج سال آینده در افغانستان، به ۵۰۰ میلیون دالر دیگر نیاز است.

رضا حیدر، رئیس اداره مین روبی سازمان ملل متحد در افغانستان گفته است اگر کشور های کمک کننده ۵۰۰ میلیون دالر دیگر در اختیار این اداره قرار بدهد و وضع امنیتی بهبود یابد، ممکن است برنامه مین روبی در افغانستان براساس پیمان اوتاوا به پایان برسد.

پاکستان د ستونزو په گرداب کې

آخند زاده



د سپتمبر د یوولسمي نېټې له هغې پېښې وروسته، چې عاملین یې د لویدیځې نړۍ په اند د "القاعده" هغه سرزمن ؤ، او د پخواني شوروي اتحاد له ماتې وروسته د مجاهدینو د حکومت له مینځه وړونکي طالب رژیم په واکمنۍ کې په افغانستان کې پیاوړي شوي ؤ، پاکستان په سیمه کې د نړیوالو ائتلافي ځواکونو په راتګ سره. له یوې ورځې بلې ته د فشار او ګواښ سره مخ کیږي: ځکه طالب رژیم ته د پاکستان ملاتړ حاصل ؤ او القاعده د هغوی په کوربه توب کې په سیمه کې یو قوت ګرځیدلی ؤ. که څه هم د پاکستان د هغه مهال پوځي واکمن "پرویز مشرف" د "بوش" د یوه ټیلفون په ځواب کې د طالبانو سره پنځه کلنه خواخوږي په دښمنۍ بدله کړه او د طالبانو د رژیم د پرځولو لپاره یې امریکې ته ځمکنۍ او لوژستیکي اسانتیاوې ورکړې. خو پاکستاني چارواکو د افغانستان په اړه د خپلو غرضونو پالیسو د خپلولو په بنیاد له یوې خوا افغانان له خپلو لیرې کړل او له بلې خوا یې لویدیځه نړۍ د خپلو دښمنو ګرځوله چې لاملونه یې لومړی مشرف او وروسته د خلکو د ګوند وسني حکومت د امریکا جنګ په وړاندې ایښي او د هر فرمایش په وړاندې یې د لبیک ځواب وایي او دا ځکه چې په سیمه کې. د پاکستان له چین پرته نورو دوازو ګوندیانو سره اړیکي خوندورې نه دي

پاتې پر ۶ مخ